

توجه به کرامت انسانی در نهضت حسینی و سیره امام حسین (علیه‌السلام)

احترام به ارزش و کرامت انسانی در نهضت حسینی

احترام به کرامت انسانی در نهضت حسینی یکی از درخشان‌ترین نکاتی است که هنگام مرور این واقعه تاریخی جلب توجه می‌کند. امام حسین (علیه‌السلام) علاوه بر این که خودشان دارای بالاترین درجات شرافت و کرامت بوده‌اند، نسبت به حفظ کرامت سایر افراد حتی دشمنان حساسیت ویژه‌ای داشته‌اند؛ این حساسیت در برخوردهای ایشان چه با اصحاب و چه با دشمنان به وضوح جلوه‌گری می‌کند. می‌توان گفت عزت‌بخشی به انسان‌ها و احیای کرامت آن‌ها هم یکی از مهم‌ترین اهداف قیام عاشورا بوده و هم یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای آن است. این مسأله در کنار سایر ابعاد از جمله نکاتی است، که توجه همه اندیشمندان مکاتب الهی و غیر الهی را برانگیخته و آن‌ها را به تحسین و تعظیم در برابر سیدالشهداء (علیه‌السلام) واداشته است.

کرامت یعنی داشتن عزت و برتری و این برتری می‌تواند، به دو شکل ذاتی و اکتسابی وجود داشته باشد. کرامت ذاتی مربوط به کمالاتی است که از بدو تولد و بدون آن که خودمان دخالتی در آن‌ها داشته باشیم، در وجود ما به ودیعه نهاده شده و ما را بر سایر موجودات برتری بخشیده است؛ برخورداری از روح الهی، قدرت تکلم و تفکر، توانایی تشخیص حق و باطل، مختار بودن و ... از مؤلفه‌های کرامت ذاتی است. از نظر اسلام همه انسان‌ها فارغ از جنسیت، نژاد، زبان و مذهب از این کرامت برخوردارند؛ پس باید حرمت آن‌ها را نگاه داشت و حقوق‌شان را رعایت کرد، حتی اگر مجرم و گناه‌کار باشند. کرامت ذاتی انسان موهبتی خدادادی است، که به همه افراد عطا شده^[1] و همگان موظف‌اند به آن احترام بگذارند.

بخش دیگری از شرافت و کرامت اکتسابی است و از راه خودسازی و تهذیب نفس به دست می‌آید. کرامتی که از این طریق به دست می‌آید، حقیقی است و تعیین‌کننده ارزش واقعی آدم‌هاست. در برخورداری از کرامت ذاتی همه افراد باهم برابرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد.

سوره اسراء، آیه 70¹

اهمیت تکریم انسان‌ها در سیره امام حسین (علیه‌السلام)

یکی از ملاک‌های ارزیابی ایمان ما میزان مهربانی‌مان نسبت به دیگران است؛ زیرا ایمان نتیجه تقرب به خداست و تقرب به خدا نیز از راه شباهت یافتن به او و کسب اسماء و صفات الهی به دست می‌آید. یکی از مهم‌ترین این اسماء «رحمان» است؛ رحمانیت به معنای مهربانی نسبت به همه موجودات اعم از انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و حتی جمادات است. این اسم آن قدر اهمیت دارد که تا کسی رحمان نشود، نمی‌تواند سایر اسماء الهی را جذب کند.

هر چقدر ایمان کسی بیشتر باشد، نسبت به افراد مهربان‌تر و در حفظ کرامت آن‌ها کوشا تر است. امام حسین (علیه‌السلام) به عنوان امام معصومی که بر قلّه تمام کمالات ایستاده‌اند، کامل‌ترین مظهر اسم رحمان بودند. این رحمانیت بود که باعث می‌شد، ایشان در کنار عمل به وظیفه خود برای جهاد با دشمنان به کرامت ذاتی آن‌ها احترام بگذارند و حقوق‌شان را به رسمیت بشناسند. این موضوع در برخورد با اصحاب که باتقواترین مردم زمان بوده و از کرامت حقیقی برخوردار بودند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد. در ادامه به ذکر چند نمونه محدود از جلوه‌های صیانت از کرامت انسانی در نهضت حسینی می‌پردازیم. این نمونه‌ها می‌توانند، الگوی بسیار مناسبی برای ما در برخوردهای اجتماعی‌مان باشند.

احترام به آزادی و حق انتخاب افراد

ایمان اجباری فایده‌ای ندارد. هدف از ایمان رسیدن به تکامل است، در نتیجه کسب ایمان فقط با اختیار معنا پیدا می‌کند. در فضایی که همه مجبور به انجام یک کار باشند، تمایز اعمال و نیت‌ها از بین می‌رود و خوب و بد از هم شناخته نمی‌شوند. همه پیامبران و اولیای الهی تنها موظف بودند، حق و باطل را به مردم بشناسانند و در نهایت انتخاب را به خود مردم واگذار کنند. امام حسین (علیه‌السلام) نیز هرگز کسی را در محذوریت و تنگنا قرار ندادند و مجبور به همراهی نکردند. حتی هنگامی که جنگ حتمی شد و دیگر چاره‌ای جز آن نبود، امام (علیه‌السلام) بیعت را از یاران برداشتند و به آن‌ها اجازه دادند کربلا را ترک کنند و جان خود را نجات دهند. این رفتار امام (علیه‌السلام) یکی از مهم‌ترین جلوه‌های احترام به کرامت انسانی در نهضت حسینی است.

«زهیر بن قین از کسانی بود که در رکاب امام حسین (علیه‌السلام) به شهادت رسید. وی همراه خانواده خود از مکه حرکت کرده و در فاصله معینی از امام حرکت می‌کرد و از نزدیک شدن به کاروان امام پرهیز داشت. در یکی از منازل امام (علیه‌السلام) پیکی به سوی او فرستادند و او را دعوت کردند. او ابتدا از رفتن امتناع کرد، اما پس از مدتی و با تشویق همسرش به ملاقات امام رفت و پس از گفتگو با آن حضرت به کاروان امام پیوست. آن چه در این دعوت مهم و زیبا به نظر می‌رسد، آن است که امام (علیه‌السلام) خود به ملاقات زهیر نرفتند و پیکی را نزد او فرستادند؛ شاید دلیل این کار آن بود امام (علیه‌السلام) نمی‌خواستند زهیر را در محذوریت و تنگنا قرار دهند، طوری که ناچار باشد دعوت امام را اجابت کند.»^[۲]

اخلاق‌مداری در برخورد با دشمنان

امام حسین (علیه‌السلام) در بحبوحه جنگ و تحت فشارهای شدید، حتی یک لحظه از دایره اخلاق خارج نشدند و دائماً تلاش کردند با سعه صدر و بردباری جبهه مقابل را از افتادن در ورطه نابودی و هلاکت برهانند. ایشان در برخورد با لجاجت دشمنان سعی می‌کردند فطرت خفته آن‌ها را بیدار کنند و از اثرات ناگوار واقعه بکاهند. ایشان تا آخرین لحظه با هل من ناصر یاری طلبیدند، تا افراد بیشتری را از ظلمت بیرون بکشند و به سوی نور هدایت کنند.

در تاریخ نقل شده است که شمر بن ذی‌الجوشن به دلیل هم‌قبیله بودن، با مادر حضرت عباس (علیه‌السلام) برای ایشان و برادرانشان امان‌نامه آورده بود، تا به خیال خود آن‌ها را از مهلکه نجات دهد؛ اما هرچه صدا زد کسی پاسخ نداد. در این هنگام امام حسین (علیه‌السلام) خطاب به قمرینی‌هاشم فرمودند: «هرچند فردی فاسق است، اما پاسخش را بدهید.» این رفتار امام اوج احترام به کرامت ذاتی افراد است و نشان می‌دهد، ایشان نمی‌خواستند کسی مورد بی‌توجهی قرار بگیرد، هرچند فاسق باشد.^[۳]

کرامت انسانی در نهضت حسینی، کنگره ملی حماسه حسینی، حمیدرضا مطهری، 2 1395

ابن اعثم، الفتوح، ج 5، ص 94³

عدم تبعیض نژادی

نژادپرستی از دیرباز در جوامع عرب و غیر عرب مرسوم بود و هنوز هم یکی از ابزارهای فخرفروشی و خودبرتربینی در جهان به‌ظاهر متمدن امروز به‌شمار می‌رود؛ اما این موضوع هیچ‌گاه در اسلام و در لشگر امام حسین (علیه‌السلام) مطرح نبود. اصحاب امام از قبایل گوناگون و نژادهای مختلفی بودند؛ «وهب» تازه مسلمان شده بود و سابقه زیادی در اسلام نداشت، «جون» غلام ابوذر غفاری سیاه‌پوست و اهل آفریقا بود، «اسلم بن عمرو ترکی» اصالتاً ایرانی و از غلامان امام حسین (علیه‌السلام) بود، «قارب» و «منجج» نیز از موالیان و بردگانی بودند که در کاروان کربلا حضور داشتند. امام (علیه‌السلام) با تک‌تک این افراد مانند فرزندان خویش برخورد می‌کردند و هیچ تفاوتی میان آن‌ها و بنی‌هاشم نمی‌گذاشتند.

قبول توبه‌کنندگان با روی گشاده و آغوش باز

برخورد امام (علیه‌السلام) با حر بن یزید ریاحی یکی دیگر از جلوه‌های احترام به کرامت انسانی در نهضت حسینی بود. حر فرمانده بخشی از سپاه عبیدالله بن زیاد در واقعه کربلا بود که مأموریت داشت از ورود امام حسین (علیه‌السلام) به کوفه ممانعت کند. بنا بر نقل‌های تاریخی حر از ابتدا قصد جنگ با امام (علیه‌السلام) را نداشت و امیدوار بود که قائله به صلح ختم شود؛ اما هنگامی که از تصمیم عمرسعد برای جنگ مطمئن شد، به تردید افتاد. وی در روز عاشورا با شنیدن فریاد استغاثه امام (علیه‌السلام) قلبش مضطرب و از چشمانش اشک جاری شد و خود را میان بهشت و جهنم دید، دیگر طاقت نیاورد، اسبش را زین کرد و برای توبه نزد امام آمد و امام نیز او را با آغوش باز و در کمال احترام پذیرفتند.

برخورد امام حسین (علیه‌السلام) با حر یکی از زیباترین جلوه‌های احترام به کرامت انسانی در نهضت حسینی بود. امام (علیه‌السلام) هرگز حر را بابت اشتباهات گذشته سرزنش نکردند و راه توبه و بازگشت را به رویش نبستند؛ او به همان اندازه در میان لشگر عزیز شد، که یاران و اصحاب دیرین امام (علیه‌السلام) عزیز بودند.

سخنان و اقدامات امام حسین (علیه‌السلام) از همان روزهای آغازین حرکت تا روز عاشورا بیانگر اهتمام ایشان به حفظ کرامت انسانی در نهضت حسینی بود و مهم‌ترین جلوه آن را می‌توان در تلاش امام برای همراه کردن افراد با خود دید. امام به سپاه نیازی نداشتند، زیرا مشخص بود که تعداد یاران ایشان هرگز از تعداد افراد سپاه عمر سعد بیشتر نخواهد شد، برای ایشان رساندن افراد به بالاترین مقام انسانی که همراهی و معیت با امام زمان‌شان بود، اهمیت داشت. ایشان به افرادی که همراهی با کاروان امام را قبول نمی‌کردند، توصیه می‌کردند که تا جای ممکن دور شوند، تا صدای کمک خواهی امام به گوششان نرسد؛ این تلاش هم در جهت حفظ افراد از فرو رفتن در قعر جهنم و حفظ کرامت انسانی آنان بود.

ما در این فرصت کوتاه به ذکر چند نمونه از این رفتار امام بسنده کردیم. در پایان از شما دعوت می‌کنیم، چنان‌چه نمونه‌های دیگری از توجه به کرامت انسانی در نهضت حسینی به ذهنتان می‌رسد، آن را در بخش نظرات با ما در میان بگذارید.